



فرهنگی

انقلاب... انتخاب... رسالت



● علی‌الله‌اکبری
کارشناس ارشد تاریخ

اشاره

علی‌الله‌اکبری با این نگاه که گاه خواست یک ملت با خواست و اراده خداوند منطبق می‌گردد و یک انتخاب ملی انتخاب الهی می‌شود، انتخاب ایران را الهی، ملی و معجزه قرن می‌خواند. نویسنده با استناد به نگاه مقام معظم رهبری که انقلاب و امام خمینی را دو پدیده جدایی‌ناپذیر برمی‌شمارد، با نقد کسانی که از انقلاب برای خود نردبان ترقی ساخته‌اند، مخاطب را به پاسداری از این انتخاب الهی و عملی ساختن آرمان‌های امام راحل در ایران و جهان فرا می‌خواند.

دیگر، زمان با تمام مزایا و مفسد خود، با انتخاب‌های اخیر نسبت ماهوی ندارد، بدین گونه که اگر زمانه بد آمد، این انتخاب‌ها بد ششوند و اگر موفق آمد، خوب جلوه کنند. نسبت زمان - به مفهوم بستری که در آن حرکت می‌کنیم و دائماً حالات گوناگونی در آن‌به وجود می‌آید - با این انتخاب‌ها عرضی است، نه ماهوی.

رمز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پاسخی بود که مردم ایران از انتخاب خود گرفتند؛ انتخابی که خواست خدا هم بود، و این انطباق پس از گذشت بیش از یک هزاره، باردیگر روی داد. ماهیت انقلاب اسلامی حاصل انطباق دو انتخاب بود: انتخاب ملی و انتخاب الهی. ملت ایران «هستن» خود را با این انتخاب

در سایه هدایت رهبر کبیر خود بیان کرد و ۲۲ بهمن روز این فریاد بی‌صدا بود: «ما انتخاب می‌کنیم، پس هستیم.»

گروه بدبخت، ملت بر سابقه، جامعه با فرهنگ، جامعه بی‌تاریخ و... همگی پیامدهای «انتخاب» است.

اما گاه اتفاق می‌افتد که انتخاب، جنبه الهی به خود می‌گیرد و خدایی می‌شود؛ یعنی خواست فرد، گروه یا ملت با خواست خدا منطبق می‌گردد. نوبت این نوع حادثه‌ها - به ویژه انتخاب ملی - دیر دیر می‌رسد و گاه یک هزاره به طول می‌انجامد؛ اما وقتی روی می‌دهد، مبدأ می‌شود، جریان می‌سازد، پیرو و همراه می‌یابد، مکتب و روش می‌شود و می‌ماند. این انتخاب‌ها به دلیل منطبق شدن با خواستی مطلق، همیشه بزرگ هستند و بزرگ می‌مانند و با گذر زمان کوچک نمی‌شوند و از ابهت آن‌ها کاسته نمی‌شود. به بیانی

«ما انتخاب می‌کنیم، پس هستیم»: این جمله عقبه‌ای از فلسفه و باورها دارد و بر گفته‌های بزرگان آیین اسلام استوار است.

این «انتخاب» ممکن است فردی، گروهی و یا ملی باشد. اگر فردی باشد، کاملاً جنبه شخصی پیدا می‌کند و پیامدهای زشت و زیبای آن نیز متوجه یک فرد است. اگر گروهی باشد، پیامدهای آن دامنه بیش‌تری می‌یابد و شامل افرادی می‌شود که با نیت مشترکی گرد هم آمده‌اند و به سوی هدفی در حرکت هستند. گاه انتخاب جنبه ملی و همگانی دارد؛ یعنی یک ملت انتخاب می‌کند که اقدامی بزرگ است و طنین و موج آن از روی صفحات روزنامه‌ها گرفته تا متن تاریخ نفوذ می‌کند و می‌ماند. پیامد همه این

انتخاب‌ها در مسیر زمان به خود انتخابگران برمی‌گردد. پشیمانی‌ها و موفقیت‌هایش از آن فرد، گروه یا ملت است. فرد خوش‌بخت،



آیا انقلاب اسلامی یک معجزه بود؟

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پیام‌های الهی و معنوی امام خمینی (ره) در سراسر جهان طنین افکن شد. اما با تاسی به آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) بسیاری از مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان معاصر را عمیقاً متحول ساخت و نظام‌های مادی و الحادی را به چالش کشاند. الگوی تازه‌ای به جهانیان ارائه کرد و میلیون‌ها



دکترین سیاسی امام بر پایه مبانی ثابت، استوار و خدشه‌ناپذیری چون اعتقاد عمیق به خداوند و امدادهای غیبی او، ایمان خلل‌ناپذیر به تعالیم اسلامی و وحی، توکل بر قدرت لایزال الهی، تکلیف‌مداری مطلق و مصالح‌کلی اسلام و توده مسلمانان قرار داشت.

انسان سرگشته در برهوت الحاد و بی‌دینی و گرفتار در دام جاهلیت عصر مدرن را با دعوت به ارزش‌های وجودی خویش، و دین و معنویت، رهایی بخشید و عصر جدیدی را آغاز کرد.
در حقیقت می‌توان گفت: با وقوع

انقلاب اسلامی در ایران، دنیا شاهد یک معجزه بزرگ الهی بود، و این واقعیتی است که بارها امام راحل (ره) بر آن تأکید می‌کرد: «یک تحول روحی در جامعه پیدا شد که من غیر از آن که بگویم یک معجزه بود، یک اراده الهی بود، نمی‌توانم اسم دیگری رویش بگذارم.»^۱

«رابرت کالستون» دانشمند کانادایی در این باره می‌گوید: «از نظر من که یک غربی و غیر مسلمان هستم، این معجزه است که یک انقلاب مکتبی و الهی‌تواند در جهان امروز این‌طور تحقق یافته و در جهت استقرار عدالت به پیش برود. این انقلاب بدون شک از جانب خداوند حمایت می‌شود...»^۲
و نکته همین جاست، و غربی‌ها خوب دریافته‌اند که اراده الهی بود و «اسلام، عامل هدایت‌کننده این انقلاب بوده و هیچ یک از ایزم‌های غربی سانسو نالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم و سوسیالیسم - در آن نقش نداشتند.»^۳

اندیشه امام و انقلاب، دو پدیده جدایی‌ناپذیر

انقلاب اسلامی ایران بر پایه آموزه‌های ناب اسلامی و افکار بلند و اندیشه متعالی حضرت امام تکوین یافته و همواره در عوامل پیدایش و طرح شعارهای محوری و تعیین اهداف و آرمان‌های بلند و راه کارهای رسیدن به آن، با اندیشه‌های آن شخصیت ملکوتی پیوندی ناگسستنی داشته است. از این رو رهبر معظم انقلاب با اشاره به این مهم می‌فرماید: «انقلاب و امام خمینی (ره) دو پدیده انشکاک‌ناپذیرند. تحلیل انقلاب اسلامی بدون شناخت رهبر بزرگ آن... ممکن نیست.»^۴

تحلیلگران تحولات سیاسی جهان نیز پاره‌ها به این نکته اعتراف کرده‌اند: «نقش آیت الله خمینی (ره) در انقلاب عظیمی که در ایران رخ داد، بی‌اندازه مرکزی و مهم بود و تردیدی نیست که آیت الله، سنگ بنای اصلی انقلاب بوده است.»^۵

اسام (ره) در تعریف و تعیین اهداف انقلاب اسلامی، رهبری جریان مبارزه و تداوم انقلاب، مواجهه با قدرت‌های افزون‌طلب و تاکتیک‌ها و روش‌های حفظ و استمرار دستاوردهای انقلاب اسلامی، دارای دکترین سیاسی و مدیریتی ویژه و منحصر به فردی بودند. دکترین سیاسی امام بر پایه مبانی ثابت: استوار و خدشه‌ناپذیری چون اعتقاد عمیق به خداوند و امدادهای غیبی او، ایمان خلل‌ناپذیر به تعالیم اسلامی و وحی، توکل بر قدرت لایزال الهی، تکلیف‌مداری مطلق و مصالح‌کلی اسلام و توده مسلمانان قرار داشت؛ دکترینی که به اعتراف غربیان: «غرب

از شناخت آن عاجز مانده است.»^۶

امام با بهره‌گیری از اندیشه نو و ریشه‌دار الهی خود در صحنه سیاست بین‌المللی، نه تنها رژیم قدرتمند پهلوی را سرنگون و انقلاب اسلامی را رهبری کرد، بلکه با ارائه تفکری جدید و فرهنگی کاملاً دینی و الهی و نفی آموزه‌های مکاتب مادی «مدنیت غرب را نیز به چالش کشاند»^۷ و «باعث شد که غرب با انقلاب ایران و نام خمینی، بار دیگر اسلام را کشف کند»^۸. امام خمینی همچون گلوله‌ای بود که از صدر اسلام شلیک شده بود و بر قلب قرن بیستم نشست. «ایشان از گذشته درآمده بود و در حال زندگی می‌کرد؛ ولی بیانگر آینده بود.»^۹ «وی از جمله افرادی بود که خداوند سبحان، علمی نافع و عقلی جلوتر از زمان به وی اعطا کرده بود»^{۱۰} و «او فراتر از زمان می‌اندیشید و در بعد مکان نمی‌گنجید»^{۱۱} و سرانجام باید گفت که: «حقیقت انقلاب اسلامی و تفکر امام خمینی (ره) بسیار عمیق است و جهان غرب از درک عمیق آن عاجز مانده است.»^{۱۲}

آینده انقلاب در داخل و خارج و رسالت اهالی انقلاب

حال ما هستیم و این انتخاب ملی، ماییم با تمام خوبی‌ها و بدی‌ها و این انتخاب الهی. آنانی که حس پشیمانی در وجودشان دویده، کسانی که با خط‌کش اقتصاد و منافع فردی، حزبی و جناحی زیر و زبر انقلاب را اندازه می‌گیرند، افرادی که خون انقلاب را رنگین یافته‌اند و از نشستن بر سر آن غفلت نمی‌کنند، کسانی که از نام مسؤول، سرپرست، مدیر، دبیر کل، نماینده وزیر و...، لقمه‌ای درشت گرفته‌اند، آنان که مهره‌های قدرت را روی شطرنج ذهنشان چپ و راست می‌کنند آنانی که حرفه‌شان ساختن نردبان ترقی بر دوش دیگران است و همه کسانی که به خودشان بیش‌تر از انقلاب احترام می‌گذارند، نسبت‌شان با انقلاب عرضی است؛ اهل انقلاب نیستند، بلکه وحش انقلابند؛ نبودشان بر از منفعت است و بودشان بر از درد سر. بسیاری از اینان شاید در انتخاب ملی مردم ایران شرکت کردند، اما از آن جا که نسبتی ماهوی با انقلاب نداشتند، به اشتباه خود پی بردند و به انتخاب تازه‌ای دست زدند: خودشان را انتخاب کردند؛ به همین دلیل انقلاب را برای خودشان می‌خواهند.

اما بیش‌تر مردم و مسؤولان از اهالی انقلابند. اکنون سال‌های پس از عروج ملکوتی پیر فرزانه، حضرت امام خمینی (ره)، به رغم همه توطئه‌های طراحی‌شده سردمداران جبهه کفر، چراغ پرفروغ اندیشه و افکار متعالی اسام کبیرمان، بیش از پیش روشنگر راه مؤمنان و آزادی‌خواهان جهان

است.

سران کفر و صهیونیست بین‌الملل که انقلاب اسلامی ایران را خطری بسیار جدی برای ادامه حیات استعماری و فزون‌خواهی خویش می‌دانند، از سال‌های آغازین انقلاب مقابله جدی با افکار و اندیشه‌های امام و طراحي نقشه‌های شوم علیه انقلاب اسلامی را در دستور کار دائمی خویش قرار داده و در این جهت، تنها «از سوی سازمان سیا، ده‌ها انستیتو و مؤسسه در آمریکا کار مطالعه درباره اسلام و تشیع را آغاز کردند»^{۱۴}

به مدد الهی، انتخاب شایسته حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب و تأکید بر این که «راه، راه امام خمینی است و در این راه با قاطعیت حرکت خواهیم کرد» بر آرزوی آنان که اقول انقلاب را در رحلت امام خمینی (ره) می‌جستند، خط بطلان کشید و بار دیگر جبهه استکبار در گرداب نومیدی و «وحشت ناشی از استمرار رهبری روح خدا» بر ام القرای جهان اسلام گرفتار آمد.^{۱۵}

رسالت ما تداوم رسالت تاریخی امام (ره) و پیگیری اهداف بلند و آرمانی او از انقلاب است. تأکیدها و تصریحات مکرر امام خمینی، نشان از این واقعیت مسلم است که ایشان ضمن تعریف و تفسیر ماهیت انقلاب اسلامی و ابعاد واقعی آن در چارچوبی جهانی با آگاهی کامل از فقر و مسکنت معنوی بشر معاصر، فراهم آوردن مقدمات ظهور منجی موعود بشریت و تحول باطنی انسان در پهنه کره خاکی را مأموریت الهی و رسالت تاریخی انقلاب اسلامی می‌دانستند و نهایت تلاش خود را نیز برای نیل به آن هدف مقدس، مبذول داشتند.

امام بزرگوار در تعریف و تبیین آرمانها و استراتژی بلند مدت انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ما هم موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم».^{۱۶} «من امیدوارم که ما بتوانیم پرچم اسلام و پرچم جمهوری اسلامی را در همه جای دنیا برپا کنیم».^{۱۷} «ما انقلاب‌مان را به تمام جهان صادر می‌کنیم».^{۱۸} «ما که می‌گوییم انقلاب باید صادر شود، یعنی اسلام باید در همه جا رشد پیدا کند، معنوی که پیدا شده صادر شود. ما بنا نداریم در جایی دخالت نظامی کنیم».^{۱۹} در نگاه اشراقی امام (ره)، استراتژی



آنان که مَهره‌های قدرت را روی شطرنج ذهنشان چپ و راست می‌کنند، آنانی که حرفه‌شان ساختن نردبان ترقی بر دوش دیگران است و همه کسانی که به خودشان بیش‌تر از انقلاب احترام می‌گذارند، نسبت‌شان با انقلاب عرضی است؛ اهل انقلاب نیستند، بلکه وحش انقلابند؛ نبودشان پر از منفعت است و بودشان پر از دردسر.



صدور انقلاب اسلامی، فرمولی جهت زمینه‌سازی انقلاب عظیم جهانی اسلام به رهبری حضرت بقیة‌الله‌الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است؛ لذا به امت اسلامی ایران و فرزندان شهدا توصیه می‌فرماید: «به جمهوری اسلامی که ثمره خون پدرانمان است، تاپای جان و فسادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب اسلامی و ابلاغ پیام شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیاء و مفخر الاولیاء حضرت بقیة‌الله - روحی فداه - فراهم سازید»^{۲۰}

نیز می‌فرماید: «امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر - سلام الله علیه - و امیدوارم که این انقلاب ما به همه دنیا و مستضعفین صادر شود»^{۲۱} «آینده روشن است و ما همه در انتظار رؤیت خورشیدیم»^{۲۲}

رسالت الهی و تاریخی ما مشخص است و به توضیح نیاز ندارد. مراقب باشیم و قدر این انتخاب ملی و الهی را بدانیم. چه بسا تاریخ، حوصله و تحمل هزاره‌ای دیگر را نداشته باشد. پرتو انقلاب هرگز با بدآمد زمانه غروب نخواهد کرد؛ اما انتخاب‌های فردی و گروهی که خواست الهی همراه آن نیست، می‌تواند ما را زمین گیر بیماری کند. به انقلاب بیش از خودمان احترام بگذاریم و قدر آن را - که پس از آن همه خون دادن و

رنج بردن به ثمر نشسته است - و قدر ارزش‌هایی را که برای آن‌ها انقلاب کردیم بدانیم. وظیفه الهی، دینی، اجتماعی و شخصی خودمان را بفهمیم. آن‌گاه حرکت کنیم؛ حرکتی هدفمند و تأثیرگذار، در راه رضای الهی و اهداف انقلاب برای رؤیت خورشید.

به امید طلوع زود هنگام آن آخرین خورشید از شرقی‌ترین افق آسمان بیت الله الحرام. ان شاء الله.

پی‌نوشت‌ها

۱. صحیفه نور، ۲۳ / ۲ / ۵۸.
۲. روزنامه کیهان، ۱۳۷۰/۱۰/۱۴.
۳. دکتر میشل جانسون (متخصص روابط بین‌الملل)، نشریه ژنوبلی تکال استراتژیک، ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۸، به نقل از: جواد منصوری، جنگ فرهنگی علیه جمهوری اسلامی، ص ۱۰۰.
۴. روزنامه رسالت، ویژه‌نامه سالگرد ارتحال امام، ۱۷ / ۳ / ۷۸.
۵. محمد بهری، خورشید بی‌غروب، ص ۲۲۰ و ۲۲۱ به نقل از روزنامه انگلیسی گاردین.
۶. پروفیسور محمدحسین هدی (خاورشناس مسلمان مقیم اتریش)، در مصاحبه با روزنامه کیهان، ۲۵ و ۲۹ / ۱۱ / ۷۶.
۷. همان.
۸. امام و انقلاب در آینه اندیشه جهان، سازمان بهزیستی مازندران، ص ۷۱ و ۷۲ به نقل از: روزنامه تایمز.
۹. محمدحسین هیکل، مدافع آیت الله، ص ۸.
۱۰. احمد هوبر (محقق و متفکر سوئیسی)، فصلنامه حضور، ش ۲۹، پاییز ۷۹.
۱۱. شیخ محمدطباطبای (مفتی اعظم الازهر مصر)، در مصاحبه با رادیو خبر، روزنامه رسالت، ۸۱ / ۱۱ / ۴.
۱۲. میخائیل گورباچف (ریس جمهوری وقت اتحاد جماهیر شوروی سابق)، در مصاحبه با واحد مرکزی خبر، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۸۳/۱۵.
۱۳. روزنامه اطلاعات، ۱۰ / ۴ / ۶۸، به نقل از: ماسمیوینی (روزنامه‌نگار معروف ایتالیایی)، روزنامه ایتالیایی ایل جورنو.
۱۴. روزنامه فرانسوی لوموند، ۱۵ نوامبر ۱۹۸۴.
۱۵. روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف (چاپ لندن) ۲۰ / ۳ / ۶۸: «دشمنان ایران این وحشت را دارند که روح آیت‌الله خمینی همچنان رهبری ایران را در دست داشته باشد.» به نقل از: عصر امام خمینی، میراحمدرضا حاجتی، ص ۴۹.
۱۶. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۲.
۱۷. همان، ج ۸، ص ۲۶۷.
۱۸. همان، ج ۱۱، ص ۲۶۶.
۱۹. همان، ج ۱۲، ص ۲۸۳ و ج ۱۷، ص ۳۹.
۲۰. همان، ج ۱۹، ص ۲۹۷.
۲۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۱.
۲۲. همان، ج ۲۰، ص ۵۹.